



عرفان اسلامی، علم روز و معنویت‌های نوظهور

اکرم جهانگیر^۱، فرزانه مفتون^۲، بتول موسوی^۳

۱- هیات علمی بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی ارتش

۲- هیات علمی گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم

بهداشتی، جهاد دانشگاهی تهران

fmaftoon@ihsr.ac.ir

۳- هیات علمی پژوهشکده پزشکی و مهندسی جانبازان

چکیده

سوگند به نفس و او که آن را نیکو آفرید و پرهیزکاریها و هوسرانیهایش را به او الهام کرده است. هر کسی آن را پاک سازد رستگار و هر که آن را پلید گرداند درمانده می‌شود. (سوره شمس آیات ۱ - ۷)

آیات قرآن مجید به ما تفهیم می‌کند نفس مخلوق است. آگاهیهایش به او توسط خداوند الهام شده و به قول ملاصدرا تعلق تدبیری به ابدان دارد و انسان مختار است که مراحل آن را انتخاب نماید تا نفس در او، اعمالش را جاری کند. "غزالی نفس را جوهری قائم به ذات خود می‌داند. و چنین می‌گوید؛ نفس نه جسم است و نه عرض، و برای آن طول و عرض و عمق، وجود ندارد و فلاسفه اسلامی معتقدند نفس مرحلی دارد که عبارتند از اماره به السوء، لوامه، متفکره، عاقله یا ملهمه، مطمئنه، راضیه بالغه، مرضیه یا کامله که هر کدام خلقیات خود را دارد و مسلماً نفس دارای قوا است. و ابن سینا معتقد است؛ قوا به تنهایی عمل نمی‌کنند بلکه روح‌هایی که حامل قوا هستند آنها را فعال می‌کنند. از سویی دیگر، در علم اعصاب مشخص شده که بخش‌های متفاوت مغز شامل نیمکره‌های مغزی و لایه‌های افقی آن هر یک تفاوت عملکردهای نفس را از دیدگاه حکمت اسلامی می‌تواند توجیه نماید. در سال ۱۹۸۱ روجر اسپری جراح مغز و اعصاب از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی برنده جایزه نوبل شد. زیرا اثبات کرد جریان آگاهی در نیمکره‌های چپ و راست دوگانه و مستقل است.

همچنین فیزیک جدید نیز به نحوی غیر مادی بودن نفس و بنیادی بودن آن نسبت به ماده را نشان داده است. کشف میدانهای الکترومغناطیس باعث گردید تا علم فیزیک به شناخت موجوداتی موفق شود که قدرت سازماندهی درونی داشته و خصوصیات نفس را دارا هستند.

با توجه به این یافته‌های علمی ادراکات فرا حسی از دیدگاه روانشناسی متعارف حالتی از تغییر هشیاری است که فرد در آن موضوعاتی را ادراک می‌کند که واقعیت خارجی ندارند ولی از دیدگاه علم النفس اسلامی این ادراکات می‌توانند نتایج فعالیت نفس انسان باشند. با لحاظ گرایشات روز افزون به علوم ماورایی در جامعه به خصوص جوانان می‌توان با برنامه ریزی صحیح جامعه را در سیر رشد معنوی با مراحل نفس و دام‌های مرتبط آشنا نمود.

واژه‌های کلیدی؛ علم النفس، قرآن مجید، اسلام، علم اعصاب، معنویت‌های نوظهور



مقدمه

بر اساس آگاهی‌های برگرفته از آیات قرآن حکیم، نفس مخلوقی آگاه است که به او الهام می‌شود از سوی دیگر نفس دارای مراتبی است و انسان مختار در انتخاب این مراتب است در علم اعصاب مشخص شده که بخش‌های متفاوت مغز شامل نیمکره‌های مغزی و لایه‌های افقی آن هر یک تفاوت عملکردهای نفس را از دیدگاه حکمت اسلامی می‌تواند توجیه نماید. فیزیک جدید نیز به نحوی غیر مادی بودن نفس و بنیادی بودن آن نسبت به ماده را نشان داده است. این نوشتار بر آن است که به بیان ارتباطات فوق‌الذکر بپردازد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه، مطالعه‌ای کتابخانه‌ای بوده و بر اساس مستندات قرآنی و کتابها و مقالات مربوط انجام شده است. موضوعات مرتبط به نفس از دیدگاه‌های قرآنی، فلسفی و علمی جمع‌آوری شده و مورد بررسی قرار گرفته است و در بخشهای؛ قرآن و فلسفه اسلامی، مغز و اعصاب و فیزیک جدید ارائه شده است.

نفس از دیدگاه قرآن و فلاسفه اسلامی

اشراق و توهم دو نهایت یک وجود (نفس - روان) در آگاهی انسان است ابتدا این وجود را از دیدگاه قرآن مجید در می‌یابیم (سوره شمس آیات ۱ - ۷) [۱]:
 "سوگند به نفس و او که آن را نیکو آفرید و پرهیزکاریها و هوسرانیهایش را به او الهام کرده است. هر کسی آن را پاک سازد رستگار و هر که آن را پلید گرداند درمانده می‌شود."
 آیات قرآن مجید به ما تفهیم می‌کند نفس مخلوق است. آگاهیهایش به او توسط خداوند الهام شده و به قول ملاصدرا تعلق تدبیری به ابدان دارد و انسان مختار است که مراحل آن را انتخاب نماید تا نفس در او، اعمالش را جاری کند. طبیعت نفس از دیدگاه امام محمد غزالی:

"غزالی نفس را جوهری قائم به ذات خود می‌داند. وی در بیان این مطلب چنین می‌گوید:

نفس نه جسم است و نه عرض، و برای آن طول و عرض و عمق، وجود ندارد. همچنین حرکت، سکون، رنگ و طعم و امثال آنها بدان راه ندارد. آنچه بدان راه می‌یابد اموری مانند: علم، قدرت، اراده، کرامت و نظایر آنها است. نفس بدن را به حرکت در می‌آورد ولی بدن را مس و لمس نمی‌کند. نفس هم ذات خود و هم ذات غیر خود را بدون ابزار و واسطه درک می‌کند.

نفس، درک خود را نیز درک می‌کند. به عبارت دیگر نفس می‌شناسد و قابل شناسایی است و می‌شناسد که شناسایی می‌کند بنابراین با توجه به آیات قرآن مجید و دیدگاه فلاسفه اسلامی که به قرآن استناد کرده‌اند:

از دیدگاه غزالی نفس مخلوقی غیرمادی زنده و آگاه است. [۲]

از سوی دیگر فلاسفه اسلامی معتقدند نفس مراحل دارد که عبارتند از اماره به السوء، لوازمه، متفکره، عاقله یا ملهمه، مطمئنه، راضیه بالغه، مرضیه یا کامله که هر کدام خلیقات خود را دارد و مسلماً نفس دارای قوا است. [۳]
 ملاصدرا می‌فرماید:

«نفس از طریق قوا به صورت مستقیم در ماده اثر می‌گذارد یعنی با وساطت قوه‌ها وارد عمل می‌شود». [۴]

و ابن سینا معتقد است: [۵]

قوا به تنهایی عمل نمی‌کنند بلکه روح‌هایی که حامل قوا هستند آنها را فعال می‌کنند او در کتاب قانون در طب می‌فرماید:

«علل تندرستی و بیماری چهارگونه‌اند مادی، فاعلی، صوری و غایی و در رابطه با علل غائی می‌گوید علل غایی عبارتند



از کنش‌ها و در شناخت کنش‌ها، شناسایی قوا و روح‌هایی که حامل آن قوا هستند لازم است. بنابراین آنچه گذشت دریافتیم که نفس ذهن خاص خود را دارد و این نظریه با توجه به یافته‌های علمی در جراحی تفکیک مغز ابعاد علمی یافته است.»

پایگاه نفس در جراحی مغز

در سال ۱۹۸۱ روجر اسپری جراح مغز و اعصاب از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی برنده جایزه نوبل شد. زیرا اثبات کرد جریان آگاهی در نیمکره‌های چپ و راست دوگانه و مستقل است این جراح برای جلوگیری از حملات مکرر صرع بیماران غیرقابل کنترل با دارو بخش بزرگی از کورپوس کالوسوم را قطع و مغز را در حقیقت تفکیک کرد. در اولین گروه از مغزهای شکافته شده علم به یک سیستم آزمایش‌های قابل ملاحظه دسترسی پیدا کرد زیر آزمونهای روجر اسپری وجود دو قلمرو جداگانه از آگاهی یا شعور را آشکار ساخت. ظاهراً هیچ یک از دو نیمکره مغز از اعمال آن دیگری خبر نداشتند گویی آنها در دو سر متفاوت از هم قرار دارند.

در مغز شکافته شده با دو صدا پژوهشگران دانشگاه کورنل، ابزار آزمون ایده آلی را برای بررسی حالات تناقض ایجاد شده تجربی پیدا کردند، آنها به یک طرف پرده پیام «خنده» و به طرف دیگر پیام «ترش رویی» را منعکس کردند و دیدند که بیمار سعی می‌کند با قسمتی از دهان بخندد در حالی که قسمت دیگر صورت اخم می‌کند (این آزمایش اثبات کرد دو ذهن با دو خویش در یک شخص وجود دارد که حتی ممکن است با هم سازگار هم نباشند).

یکی از محققان و همکاران اسپری در تحقیقات مغز شکافته شده می‌گوید: در سر آنهایی که مغز عادی دارند دو سیلان با جریان موازی آگاهی وجود دارد. آنها با یکدیگر سخن می‌گویند اما از چه کانالهایی و در چه فاصله زمانی ما در این مورد هیچ نمی‌دانیم این تحقیقات همچنین ثابت کرد نیمکره راست عاطفی (نفسانی) و نیمکره چپ عقلانی است. به طور کلی اسپری نتیجه گرفته است که:

اعجاز روزمره «من» یک ویژگی بالنده برخاسته از کل است و اینکه آگاهی دو جانبه عادی می‌تواند یک وجود نو خاسته بالاتر تلقی گردد که به عنوان نیروی جهت دهنده افکار ما از سطح آگاهی دو نیمکره راست و چپ فراتر می‌رود. حتی قبل از دوران تفکیک مغز توسط جراحی، شواهد و قرائینی دال بر اینکه هر نیمکره‌ای ذهن خاص خود را دارد، در دست بود. یک نمونه بارز آن زن بیماری بود در سال ۱۹۰۸ که دست چپش خود به خود بلند می‌شد و گردنش را می‌گرفت و تا مرز خفگی فشار می‌داد و او برای نجات خود آن را با دست دیگر می‌گرفت و با زور می‌کشید و روی آن می‌نشست؟ دکتر کورت گولداسترین متخصص اعصاب و پزشک معالج بیمار در آن زمان تشخیص داده بود که آسیب به کورپوس کالوسوم بیمار ارتباط دو نیمکره مغزی او را قطع کرده است.

این پژوهشگران می‌گویند:

مغز دو نیمه شده هیولای عجیب و غریبی را، نظیر انسان دوسر در سیرکها، به ذهن متبادر می‌نماید. اگر هر یک از دو نیمکره دارای حیات داخلی مستقلی هستند، آیا وجود دو نیمکره در مغز به معنای این است که در مغز ما دو ذهن وجود دارد. دو روح در یک بدن؟ اگر چنین است پس چرا تنها یک من از خود راضی همه افکار و باورها و اعمال را به خود نسبت می‌دهد؟^۱

چارلز شرینگتون نامدار نوشته است که: «خویش یگانه است، خود را یک واحد می‌داند ... و سایرین هم با او رفتار با یک واحد را دارند و او به عنوان یک واحد با نامی که بدان نام پاسخ می‌دهد مورد خطاب قرار می‌گیرد، قانون و دولت نیز او را به عنوان یک واحد به حساب می‌آورند».

آیا یگانگی خویش داستانی ساختگی است؟

^۱ در فلسفه اسلامی انسان مجموعه عقل و نفس است.



پیشگامان جراحی تفکیک مغز، خود از غرابت متافیزیکی مرزهایی که گشودند بی خبر نبودند. اسپری نوشت: «به همان نسبتی که دانش ما درباره کار مغز و رابطه ذهن / مغز پیشرفت می‌کند و جلو می‌رود بالاچار باید واژه‌هایی نظیر ذهن / فکر و خویش / شخص مجدداً تعریف شوند. یا حداقل دقیق‌تر تعریف شوند.

از سوی دیگر دانشمندانی که نیمکره راست را مورد بررسی قرار داده‌اند به دو گروه مجزا تقسیم شدند گروهی نیمکره راست را نابغه و گروه دیگر آن را کالیو می‌دانند (عقب افتاده) این اختلاف فاحش به این دلیل است که آنها نمی‌دانند که کدام مرحله از نفس نیمکره راست را اشغال کرده است.

روح اسپری می‌گوید دو جریان در مغز وجود دارد حال آنکه پل مک لین از مغز سه واحدی سخن می‌گوید. [۶]

مغز سه واحدی در تحقیقات پل مک لین

با توجه به اینکه در نظر رفتار گرایان مغز یک نوزاد انسان نظیر یک لوح یا صفحه سفید و ساده است که تجربه می‌تواند هر متنی را بر روی آن بنویسد و تمام رفتارهای انسانی اکتسابی یا آموختنی‌اند، مک لین سوال می‌کند اگر تمام رفتارهای انسانی اکتسابی است پس چرا به رغم تمام هوش و ذکاوت و رفتارهای معین شده فرهنگی ما هنوز هم تمام آن کارهایی را که حیوانات دارند انجام می‌دهیم و پاسخ مک لین طبعاً وجوه مغز سه واحدی است.

مک لین که یک دانشمند عصب شناس و کاشف سیستم لیمبیک در مغز است پس از سالها نظریه‌ای ارایه داد که تحول اساسی در شناخت مغز ایجاد نمود. به نظر مک لین، انسانهای کنونی در زیر لایه‌های نئوکورتکس متمدن خود، صاحب یک مغز به ارث رسیده از اجداد خزنده و یک مغز بر جای مانده از پستانداران عتیق هستند. این سه نوع مغز، در یک مغز واحد «نظیر سه کامپیوتر زیستی» که از درون به هم متصل و مرتبط هستند کار می‌کنند، اما هر یک با ذکاوت و هوش خاص خود ذهنیات مربوط به خود، احساس خاص خود از زمان، مکان، خاطره و حافظه خود.

البته، بخش کاملاً مشخص انسانی نئوکورتکس است، که به قول مک لین «مادر اختراعات و پدر تفکرات انتزاعی» است. آینده نگری، گذشته نگری و درون نگری برخی از فرآورده‌های این بخش از مغز است. لوب‌های پیشانی کورتکس، همان طور که برخی از دانشمندان پیشنهاد کرده‌اند، بر برخی از وجوه اساسی «انسان بودن» و یا حتی «خدای گونه بودن» حاکمیت و سیطره دارند. خانم کاندیس پرت، یکی از دانشمندان رشته اعصاب می‌گوید: «اگر خدا با انسان صحبت می‌کند و اگر بشر با خدا صحبت می‌کند، همانا این گفتگو از طریق لوب‌های فرونتال کورتکس، یعنی آن بخش از مغز صورت می‌گیرد که جدیدترین توسعه و تحول زیستی را تجربه کرده است.

مغز پستانداران قدیمی در سیستم لیمبیک یا مرکز قرارگاه فرماندهی احساسات و عواطف قرار دارد. کار سیستم لیمبیک در اطراف چهار عمل، یعنی تغذیه، تخاصم، فرار و تلذذ جنسی، دور می‌زند، بالاخره مغز قدیمی خزنده در ساقه مغز و ساختارهای اطراف آن قرار دارد. پس در طی تحول زیستی، در اطراف مغز خزنده قدیمی، ساختارهای جدید مغز پستانداران عتیق و سپس مغز انسان شکل گرفته‌اند. وجود این سه مغز در ما انسان‌ها دلیل رفتارهای متفاوت به تناسب خصوصیات هر یک از آنها است. در مجموع می‌توان گفت سه نوع ذهنیتی که در درون ما وجود دارد از هم مجزا بوده و اغلب با یکدیگر در تعارضند.^۲

فیزیک جدید و ماهیت نفس

کشف میدانهای الکترومغناطیس باعث گردید تا علم فیزیک به شناخت موجوداتی موفق شود که قدرت سازماندهی درونی داشته و خصوصیات نفس را دارا هستند.

مایکل فارادی، جیمز کلارک و ماکسول به کار بردن مفهوم میدان را در این مقوله پیشنهاد کرده و می‌گویند: هر بار الکتریکی در اطراف خود نوعی تاثیر ایجاد می‌کند و تحت چنین شرایطی بار الکتریکی مخالف، در صورت حضور،

^۲ این کشف با مفاهیم نفس‌های اماره، لواحه و مطمئن در فلسفه اسلامی همسویی دارد.



نیرویی دریافت می‌کند بنابراین، مفهومی تازه به وجود آمد: کیهان مرکب از حوزه‌هایی از انرژی است که نیروهایی تاثیرگذار بر یکدیگر را به وجود می‌آورند. با توسعه دامنه تحقیقات راجع به میدانها، در فیزیک کوانتوم ثابت شد که این میدانها بنیادی‌تر از ماده‌اند.

در سالهای اخیر این میادین با نامهای میادین انرژی هوشمند یا میادینهای حیاتی bio field نامیده شده‌اند که با آزمایشهای علمی متعدد مورد تایید قرار گرفتند. یکی از پیشگامان این مطالعات هارولد ساکستون بور می‌باشد. او در یکی از تحقیقاتش الکترودهای بسیار کوچکی را به درون تخم قورباغه‌ای وارد کرد و دریافت که حتی پیش از آنکه تخم شروع به تقسیم کرده و به یک بچه قورباغه تبدیل شود قادر است در آن قسمت از تخم که قرار است به سلسله اعصاب تبدیل شود اختلاف پتانسیلی را اندازه بگیرد وی نتیجه گرفت یک میدان حیاتی مسئول شکل دهی نظام هدایت و کنترل اجزاء موجود زنده است و در صورت نبود آن، حیات از بین می‌رود و به طوری که یک سمندر مرده در دستگاه بور هیچ پتانسیلی ایجاد نمی‌کرد.

فرد آلن وولف محقق و دانشمند فیزیک در کتاب خود به نام موج ستاره می‌گوید:

مطالعات من در زمینه فیزیک جدید موجب پی بردن به این نکته شد که این فیزیک علاوه بر علم فیزیک علم روانشناسی نیز به شمار می‌آید. زیرا مشاهده گر با انتخاب شی مورد نظر اثرات غیرقابل انکاری بر آن می‌گذارد و نتیجه گرفتم بین ذهن و حوادثی که در زمان و فضا رخ می‌دهد رابطه‌ای وجود دارد. در حقیقت امواج فکری نوعی ماده است:

روانشناسی غربی تحت تاثیر رویکردهای مادی در حقیقت رفتارشناسی است و جنبه‌های روان یا نفس را آنگونه که در علم النفس فلسفه اسلامی شناخته شده نمی‌شناسد حال آنکه با توجه به یافته‌های علمی در قطع طولی مغز دو ذهن مستقل داشته و در قطع عرضی رفتارهای خردگان پستانداران و رفتار انسانی دارای پایگاه‌های مستقل‌اند که در فلسفه اسلامی قوای مختلف نفس‌اند (وجودی مستقل) که انسان در انتخاب آن‌ها آزاد است.

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد کشف سه مغز در ما انسان‌ها دلیل رفتارهای متفاوت به تناسب خصوصیات هر یک از آنها است. در مجموع می‌توان گفت سه نوع ذهنیتی که در درون ما وجود دارد از هم مجزا بوده و اغلب با یکدیگر در تعارضند و این کشف با مفاهیم نفس‌های اماره، لوامه و مطمئنه در فلسفه اسلامی همسویی دارد. با توجه به یافته‌های علمی ادراکات فرا حسی از دیدگاه روانشناسی متعارف حالتی از تغییر هشیاری است که فرد در آن موضوعاتی را ادراک می‌کند که واقعیت خارجی ندارند ولی از دیدگاه علم النفس اسلامی این ادراکات می‌توانند نتایج فعالیت نفس انسان باشند و به این دلیل اشراق با نفس مطمئنه و سرگردانی و جنون‌های عرفانی با نفوس اماره و لوامه در ارتباط‌اند.

ما می‌دانیم جامعه ما شاهد یک گرایش رو به رشد عمومی به خصوص در میان جوانان به سوی عرفان سایه، علوم باطنی و ماورائی جهت دستیابی به شهود و اشراق و بعضاً میان بری برای رسیدن به مال و جاه می‌باشد ولی شاهدیم که جوانان یا گمراه شده و بعضاً به روان پریشی می‌رسند. هرچند آن را معنویت می‌نامند ولی غافلند به دلیل عدم آگاهی از طبیعت نفس و غافل از اینکه انسان بدون تزکیه نفس با آمال و آرزو فقط در دام نفس گرفته می‌شود.

در نتیجه یک نیاز جدی جهت ارتقاء سطح آگاهی در جامعه وجود دارد که بتواند با فرهنگ سازی بنیادی نگرشی واقعی به معنویت را ایجاد کنیم باید تاکید کرد تا زمانی که یک جایگزین برای آموزشهای غلط متداول وجود ندارد فقط با مخالفت و یا متوقف کردن فعالیت‌های موجود تغییری در این گرایش‌ها ایجاد نخواهد شد. البته که می‌توان با برنامه ریزی صحیح جوانان و آحاد جامعه را در سیر رشد معنوی با مراحل نفس و دام‌های مرتبط آشنا نمود و شرایط شناخت معنویت‌های دروغین و روش‌های مقابله با آن را فرهنگ سازی کرد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. هاشمیان سید احمد. ۱۳۸۶، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. کاظم زاده حسین. ۱۳۷۰، اصول اساسی روانشناسی، ایرانشهر، انتشارات اقبال.
۴. حق اکبر، محمد یاسین، گنجی مهدی. ۱۳۶۰، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، نشر ساروان.
۵. سینا شیخ رئیس ابوعلی. ۱۳۶۹، قانون در طب، انتشارات سروش.
۶. هوپر جودیت، ترسی دیک، (ترجمه ابراهیم یزدی). ۱۳۷۶، جهان شگفت انگیز مغز، نشر قلم.